

# برنامه حزب توده ایران

برای تثبیت و تحکیم و گسترش همه جانبه  
انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران

۱. در راه تثبیت و تحکیم و بازگشت ناپذیر کردن دستاوردهای انقلاب

جبهه متحد خلق - شورای تفاهم ملی

۲. در راه گسترش و ژرفش انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران

الف. در زمینه تحکیم همه جانبه استقلال ملی

ب. نیرومند ساختن بنیه دفاعی کشور

ج. سیاست خارجی مستقل و فعال

د. تحکیم مبانی آزادی، تأمین امنیت اجتماعی

ه. مسأله ملی

و. تقویت نظام شورایی به عنوان بهترین شکل برای تأمین شرکت فعال مردم در تعیین سرنوشت خویش.

ز. برای شکوفایی اقتصاد کشور

۱. مسأله مالکیت وسایل تولید و راه رشد

۲. گسترش همه جانبه بخش دولتی و بخش تعاونی

۳. برنامه ریزی علمی برای مجموعه اقتصاد

۴. در زمینه اقتصاد کشاورزی و دامداری

۵. صنایع و معادن

۶. تجارت خارجی

۷. تجارت داخلی و توزیع کالا

۸. خدمات

ح. اصلاحات اجتماعی

۱. توزیع عادلانه درآمد ملی

۲. کار، دستمزد، حقوق

۳. بهداشت عمومی و بیمه های اجتماعی

۴. حل مسأله مسکن

۵. آموزش و پرورش

۶. فرهنگ اجتماعی

۷. شکوفایی علم و فن

۸. ورزش

۹. تربیت همه جانبه جوانان

# برنامه حزب توده ایران

برای تثبیت و تحکیم و گسترش همه جانبه انقلاب  
ضد امپریالیستی و مردمی ایران

زندگی و نبرد حماسه آفرین خلق های زحمتکش ایران ، طی مدتی کوتاه درستی ارزیابی هایی را مورد تأیید قرار داد که در برنامه حزب توده ایران مصوب پانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی مطرح گردیده بود

این برنامه که بر پایه بینش علمی مارکسیسم - لنینیسم ، تحلیلی همه جانبه و منطبق با واقعیات از اوضاع جهان و ایران به دست داده بود ، نشان می داد که راه تأمین استقلال و آزادی و پیشرفت جامعه ایران ، از سرنگون کردن نظام استبداد سلطنتی وابسته و برانداختن حاکمیت جابرانه و غارتگرانه رژیم خائن بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران که خاندان فاسد پهلوی بر راس آن قرار داشت و به امپریالیسم وابسته بود ، آغاز می گردد .

با پیروزی انقلاب شکوهمند میهن ما ، که با فداکاری دهها میلیون کارگر و دهقان و پیشه‌رو روشنفکر زحمتکش انقلابی ، یعنی محرومان جامعه ، تأمین گردید ، بخش قابل توجهی از هدف هایی که در برنامه حزب به عنوان هدف های مبرم انقلاب مطرح شده بود ، عملی گردید . نظام استبداد سلطنتی وابسته برانداخته شد ، ساواک منحل گردید ، بخش مهمی از گردانندگان رژیم منفور و سرسپردگان به امپریالیسم جهانی از کشور رانده شدند و گروهی از مزدوران کعبه چنگ نیروهای انقلابی افتادند ، به سزای جنایات و خیانت های خود رسیدند ؛ بخش مهمی از ثروت های غارت شده به وسیله این مزدوران به مالکیت خلق درآمد ؛ جمهوری اسلامی ایران مستقر گردید ؛ به وابستگی سیاسی ، اقتصادی ، نظامی و فرهنگی کشور ، به نظام غارتگر و فاسد و پوسیده امپریالیسم جهانی ضربات خردکننده وارد شد ؛ ایران از پیمان سنتو بیرون آمد و این پیمان به زباله دان افتاد ؛ دهها هزار مستشار آمریکایی و اروپایی غربی از کشور اخراج شدند و قراردادهای اسارت آور نظامی و خرید جنگ افزار پاره و پایگام های جاسوسی آمریکا برچیده شد . همه این دستاوردها نکته به نکته در برنامه حزب توده ایران به عنوان خواست های مبرم انقلاب ایران مطرح گردیده بود . با این دگرگونی ها ، انقلاب ایران به مرحله تازه ، به مرحله بالاتری با وظایف گسترده تری ارتقاء یافته است .

حزب توده ایران ، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران که جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم را به عنوان راهنمای عمل خود برگزیده است ، می کوشد تا در پرتوی همین جهان بینی علمی و

انقلابی مسائل انقلاب ایران را که دارای خصلت ضدامپریالیستی و مردمی است، در مرحله‌ای که در برابر ما است، بررسی کند و برنامه خود را بر پایه این بررسی تنظیم نماید و در اختیار همه زحمتکشان قرار دهد.

آماج نهایی حزب توده ایران استقرار سوسیالیسم و تکامل شکوفان آن است، یعنی آن نظام اجتماعی که در آن اصل پایان بخشیدن استثمار فرد از فرد (که پایه همه رژیم‌های غارتگر و جابر از دوران بردگی گرفته تا امپریالیسم-آخرین مرحله تکامل سرمایه‌داری- بوده و هست) به واقعیت مبدل شود؛ زنجیرهای عبودیت و بردگی توده‌های زحمتکش به سرمایه‌چپاولگر پاره گردد؛ جامعه‌ای که در آن آزادی واقعی انسان‌ها، نمان چنان که در جوامع طبقاتی، تنها برای طبقات جابر، بلکه برای توده‌های ده‌ها میلیونی محرومان تامین شود.

تلاش حزب توده ایران در راه ایجاد چنین جامعه والای انسانی است، جامعه‌ای که در آن همه استعدادها همه افراد جامعه به‌طور برابر حقوق در جهت ارتقاء رفاه و فرهنگ و اخلاق عموم خلق امکان رشد آزاد و همه‌جانبه داشته باشند.

بر پایه همین جهان‌بینی علمی، حزب توده ایران همواره می‌کوشد از جنبش انقلابی واقعا موجود در کشور حمایت کند، یعنی در هر مرحله و هر لحظه سیاستی را در پیش گیرد که در جهت نیرومند ساختن جبهه نیروهای خلق علیه جبهه دشمنان خلق باشد. حزب توده ایران عقیده دارد که انقلاب محصول عمل توده‌هاست و تا توده‌ها برای دگرگونی‌های انقلابی آماده نباشند، گزاف‌گویی‌های انقلابی مآبانه و توسل به اقدامات توطئه‌گرانه به نام قهر انقلابی، اگر هم در تمام ابعادش صادقانه باشد، جز شکست و ناکامی و ناتوان ساختن نیروهای راستین انقلاب ثمری نخواهد داشت.

به نظر حزب ما آن چه امروز در برابر طبقات و قشرهای انقلابی میهن ما، یعنی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و روشنفکران زحمتکش قرار گرفته است، این است که:

۱- با تمام نیرو در جهت تثبیت و تحکیم و بازگشت ناپذیر کردن دستاوردهای انقلاب ایران عمل کنند و با مبارزه آگاهانه خود، نقشه‌های براندازی دشمنان سوگند خورده انقلاب، یعنی امپریالیسم و ارتجاع جهانی و داخلی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را خنثی سازند و بگذارند تا سازشکاران و تسلیم‌طلبان با بهره‌گیری موزرانه از ضعف‌ها، کمبودها، اشتباهات و نارسایی‌ها، توده‌ها را بفریبند و از انقلاب روی گردان سازند و راه را برای بازگشت وابستگی به امپریالیسم هموار کنند.

۲- در جهت انجام همه وظایف انقلاب دموکراتیک ملی و فراهم ساختن زمینه ارتقا انقلاب به سطح سمت‌گیری سوسیالیستی بکوشند.

تمام عملکرد دشمنان انقلاب یعنی امپریالیست‌های جهان‌خوار و ارتجاع جهانی و ضدانقلاب ایران به سرکردگی امپریالیسم آمریکا درست در جهت عکس این وظایف مبرم نیروهای انقلابی است.

دشمنان انقلاب ایران می‌کوشند هرگونه تثبیت و تحکیم انقلاب میهن ما را ناممکن سازند و در این راه از توسل به هیچ‌گونه جنایتی روگردان نیستند. مهم‌ترین و کاراترین وسیله عمل غیر مستقیم دشمنان انقلاب ایران، تجزیه نیروهای انقلابی، به‌جان یکدیگر انداختن آنان و از این راه ناتوان ساختن جبهه نیروهای انقلابی است. مردم ایران اکنون بیش از دوسال است که شاهد این شیوه عمل دشمنان انقلاب یعنی دشمنان جهانی و داخلی استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی میهن خود هستند.

# ۱. در راه تثبیت و تحکیم و بازگشت ناپذیر کردن دستاوردهای انقلاب

یگانه و اطمینان‌بخش‌ترین راه برای تثبیت و تحکیم انقلاب، تجهیز نیروهای خلق برای پاسداری و نگهداری آن است. انقلاب را توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستای ایران با نشان دادن بزرگ‌ترین گذشت انقلابی به‌پیروزی رساندند و از این مبارزه این امید را داشتند که با سرنگون شدن نظام جنایت‌بار و غارتگر "آریامهری" سرسپرده امپریالیسم جهانی، پایه‌های این نظام در داخل (یعنی: استبداد سلطنتی از لحاظ سیاسی و بزرگ‌مالکی و کلان سرمایه‌داری از لحاظ اقتصادی) درهم شکسته شود و همه زنجیرهای اسارت قرن‌ها وابستگی به استعمار و نو-استعمار پاره شود.

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران ده‌ها بار این حقیقت را یادآور شدند که انقلاب ایران انقلاب کوخ‌نشینان و محرومان بوده و کاخ‌نشینان و طبقات و اقشار ممتاز جامعه "آریامهری" در آن نقشی نداشته‌اند.

با این ویژگی، تثبیت و تحکیم و پاسداری و نگهداری دستاوردهای این انقلاب، خنثی ساختن توطئه‌های کین‌توزانه دشمنان آشتی‌ناپذیر انقلاب و دسیسه‌های مزورانه سازشکاران و تسلیم‌طلبان، یعنی همان اقشار غارتگر سرمایه‌دار و مالک که با هزار نیرنگ می‌کوشند انقلاب را از مسیر خود خارج سازند، تنها با تجهیز این توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان امکان‌پذیر است و این تجهیز تنها از راه حرکت به‌سوی آن آماج‌هایی که این توده‌ها برای آن ده‌ها هزار کشته و صدها هزار معلول دادند، یعنی دگرگونی‌های بنیادی در جهت پایان بخشیدن به محرومیت‌های گوناگون سیاسی و فرهنگی و اقتصادی آنان، امکان‌پذیر است.

با تکرار شعارهای بی‌پشتوانه فقط می‌توان توده‌ها را برای مدت کوتاهی در انتظار و امید نگهداشت، ولی سرانجام توده‌ها به این شعارها پشت می‌کنند: یا راه خود را ادامه خواهند داد و یا در دام عوام‌فریبان خطرناکی که در دادن "شعار" گوی سبقت را ببرند، خواهند افتاد. این واقعیتی است که در همه انقلاب‌های جهان و به‌ویژه در انقلاب‌های چند دهه اخیر، بدون کوچک‌ترین خدشه، مورد تأیید قرار گرفته است.

توده‌های ده‌ها میلیونی محرومان شهر و روستا (یعنی: کارگران و دهقانان و پیشه‌وران و روشنفکران زحمتکش میهن ما)، چه آن اکثریت عظیمی که زیر پرچم اسلام انقلابی و چه آن‌ها که با برداشتهای غیرمذهبی یا به‌میدان‌های نبرد سرنوشت‌ساز گذاشته‌اند، مشترکا از پیروزی انقلاب انتظار داشتند که:

الف - نظام استبداد سلطنتی (که از آغاز دوران تسلط استعمار در جهان همیشه مهم-ترین وسیله و ابزار سرکوب ملت‌ها و بازنگه‌داشتن راه غارت بی‌بندوبار غارتگران جهانی و داخلی بوده است) برای همیشه سرنگون و به‌زباله‌دان تاریخ فرستاده شود؛

ب - به تسلط امپریالیسم جهان‌خوار به سرکردگی امپریالیسم آمریکا که با دستیاری خاندان پهلوی و پایگاه طبقاتی (کلان سرمایه‌داران وابسته و بزرگ‌مالکان) تمام شریان‌های حیاتی ملت ما را در زمینه سیاست، اقتصاد و نیروهای مسلح و فرهنگ در دست گرفته بود، پایان داده شود و استقلال همه‌جانبه و بی‌خدشه میهن ما تأمین گردد؛

ج - نظام اختناق سیاسی که ابزار اصلی سلطه غارتگران داخلی و خارجی بود، برانداخته

شود و برای محرومان جامعه و مبارزان راه رهایی این محرومان ، آزادی‌های اجتماعی تامین شود تا بتوانند در سایه آن برای پایان بخشیدن به محرومیت‌های خود مبارزه نمایند ؛  
د - حرکت انقلابی در جهت دگرگونی‌های بنیادی برای پایان بخشیدن به محرومیت‌های توان‌فرسای ناشی از نظام غارتگر و جابر و جنایت‌بار وابسته و سرسپرده یعنی همه محرومیت‌های سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی ، ملی و فکری و عقیدتی آغاز گردد و راه برای تامین عدالت اجتماعی ، که هسته اساسی و تعیین‌کننده آن پایان‌بخشیدن به استثمار فرد از فرد است هموار گردد .

این‌ها بود آماج‌هایی که توده‌های میلیونی زحمتکشان میهن ما ، کوخ‌نشینان ، پابره‌ن‌ها و گرسنه‌ها برای رسیدن به آن‌ها این حماسه تاریخی جهانی را آفریدند .  
این‌ها هستند آماج‌هایی که به بخشی از آن‌ها انقلاب شکوهمند و پیروزمند ما رسیده و به بخش دیگر آن باید برسد .

دستاورد‌های انقلاب در جهت این چهار آماج اصلی بدون تردید چشم‌گیر و قابل توجه است ، ولی با کمال تأسف باید گفت که یکسان نیست . در حالی که در جهت برانداختن نظام استبداد سلطنتی و محدود ساختن تسلط غارتگرانه و استیلاجویانه امپریالیست‌ها و قلع‌و‌قمع کارگزاران عمده رژیم وابسته کامیابی‌های دامنه‌داری به‌دست آمده‌است ، در زمینه تامین واقعی آزادی برای محرومان جامعه که رهایی از غارتگری و بهره‌کشی اقتصادی پایه‌اساسی آن است و هم‌چنین دگرگونی‌های بنیادی به‌سود محروبان جامعه و در جهت لجام‌زدن به غارتگران باقی‌مانده از رژیم سرنگون شده ، گام مهمی برداشته نشده‌است . سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان هنوز حیاتی‌ترین شریان‌های زندگی اقتصادی مردم میهن ما را در جنگ‌های خود دارند و زالووار خون ده‌ها میلیون زحمتکش غارت‌شده را می‌مکند . همین وضع منشاء بزرگ‌ترین تهدید برای انقلاب است . توده‌های وسیع مردم که آماده هرگونه فداکاری برای پیروزی انقلاب بوده و هستند ، می‌خواهند که دولت انقلاب ، دولتی را که آن‌ها با خون خود به قدرت رسانده‌اند ، اقدامات جدی برای جلوگیری از این غارتگری ، و تامین آزادی واقعی دهقانان برای گرفتن حقوق خود از بزرگ‌مالکان ، و همه زحمتکشان از سرمایه‌داران ، انجام دهد .

## جبهه متحد خلق - شورای تفاهم ملی

تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب تنها و تنها در گرو تجهیز توده‌ها برای دفاع از این دستاوردها و برای گرفتن حقوق‌شان از غارتگران است و تجهیز توده‌ها تنها در گرو حرکت به سوی اتحاد و همگاری همه نیروهای خلق ، صرف‌نظر از هرگونه تفاوت فکری و سیاسی و ایدئولوژیک ، در جبهه متحدی است که از یک‌سو با تمام توان خود در مقابل دساتس و توطئه‌ها و تجاوزات سیاسی ، اقتصادی ، نظامی و فرهنگی دشمنان انقلاب و در راس همه امپریالیسم آمریکا ایستادگی کند و یک گام عقب‌نشینی و از سوی دیگر با تمام توان خود برای از بین بردن پایگاه‌های اصلی ضدانقلاب و امپریالیسم در پشت این جبهه نبرد در سراسر جامعه ایران ، یعنی بزرگ‌مالکی و کلان سرمایه‌داری و همه جریان‌های سیاسی و یا به‌ظاهر مذهبی وابسته به آن ، مبارزه کند .  
چنین اتحادی هنگامی پایدار و پابرجا و موثر خواهد بود که از درون صفوف خلق بجوشد و در جریان مبارزه برای هدف‌های انقلابی خلق آبدیده‌شود .

پی‌ریزی چنین اتحادی تنها از راه تقویت همه‌جانبه شوراهاى عام مردمی میسر است ، شوراهاىی که به جز وابستگان و سرسپردگان سیاسى و اقتصادى به ضد انقلاب ، همه مردم را دربر گیرد و از هرگونه انحصارطلبى این یا آن گروه آزاد باشد .

برای به‌راه انداختن یک چنین جریانى ، حزب توده ایران پیشنهاد می‌کند که برای بررسی راه‌ها و تصمیم‌گیری در زمینه تامین اتحاد عموم خلق بی‌درنگ شوراى تفاهم ملی از کلیه گروه‌ها ، احزاب و شخصیت‌هاى سیاسى که اصول مشترک پاسدارى و نگاه‌دارى از انقلاب را صادقانه می‌پذیرند ، تشکیل گردد . همان اصولی که طی رهنمودهاى مختلف سیاسى و اجتماعى امام خمینى بازتاب یافته‌اند و مورد تایید توده‌هاى ده‌ها میلیونى محرومان جامعه ، هستند . در یک چنین شورا و یا کنگره تفاهم ملی می‌توان جبهه فراگیر اتحاد مردمی ، جبهه متحد نیروهاى راستین انقلاب و یا جبهه متحد خلق را شالوده ریخت .

## ۲. در راه گسترش و ژرفش انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران

انقلاب مردمی ایران اگر از جرکت به سوی تکامل و گسترش بازایستد ، محکوم به فنا و بازگشت خواهد بود . به تبعیت از این قانون مسلم ، وظیفه همه نیروهاى راستین هوادار این انقلاب مردمی است که تمام توان خود را برای گسترش آن در همه جوانب زندگى سیاسى ، اقتصادى ، فرهنگى ، اجتماعى و دفاعى به‌کار اندازند و از هیچ تلاش و از خودگذشتگى در این راه دریغ نورزند .

در قانون اساسى جمهوری اسلامى ایران که بدون تردید مهم‌ترین میوه انقلاب شکوهمند میهن ماست ، انقلابی که امام خمینى آن را محصول فداکارى و از خودگذشتگى بی‌حساب کوخ- نشینان و پابرهنهما و پایین‌شهرى‌ها ارزیابى کرده است ، باوجود برخی کمبودها و نارسایی‌ها ، بخش مهمی از خواست‌هاى مردم میهن ما بازتاب یافته است . رفع کمبودها و نارسایی‌ها و پیاده کردن سمت‌گیری‌هاى مردمی قانون اساسى می‌تواند راه را از یکسو برای بازگشت نظام غارتگر و استیلاجوی وابسته گذشته سد کند و از سوی دیگر برای پیشرفت به‌سوی شکوفائی نظام مردمی در کشور هموار سازد . برپایه همین ارزیابى ، حزب ، با نگاه‌دارى نظریات انتقادى خود ، این قانون اساسى را مورد تایید قرار داد و تمام نیروى خود را برای اجرای آن به‌کار انداخت .

حزب توده‌ایران حرکت جامعه را به‌سوی تامین عدالت اجتماعى ، برابری و شکوفائی در چهارچوب این قانون اساسى ممکن می‌داند و برنامه زیرین را برای این حرکت ، یعنی گسترش انقلاب ایران عرضه می‌دارد و حاضر است برای تحقق بخشیدن به‌آن با همه نیروهاى مردمی جامعه ، صرف‌نظر از اختلاف در دیدگاه‌هاى فلسفى و اجتماعى ، صادقانه همکاری کند .

### الف. در زمینه تحکیم همه جانبه استقلال ملی

۱- پاسدارى از تمامیت ارضى ایران ، مهم‌ترین ضامن وحدت ملی همه خلق‌هاى میهن است که در جریان قرن‌هاى متمادى با هم‌زیسته ، با هم رنج کشیده و با هم برای حفظ استقلال این میهن مشترک جانفشانى کرده‌اند . حزب توده‌ایران هرگونه جدائی‌طلبى را زیر هر نام و هر

عنوان محکوم می‌داند و عقیده دارد که خلق‌های ایران در چهارچوب این وحدت بزرگ ملی به بهترین شکل می‌توانند به خواست‌های به حق خود در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی دست‌یابند .

۲- تحکیم استقلال سیاسی که از پی انقلاب به دست آمده و گسترش دامنه این دستاورد بزرگ تاریخی به عرصه‌های اقتصاد و فرهنگ و دفاع ، به طوری که همه راه‌های بازگشت تسلط استعمار نو زیر هر نوع نقاب ریاکارانه و مزورانه را سد کند ، شرط پایداری برای پیشرفت و تکامل اجتماع ما است .

۳- ریشه‌کن کردن همه وابستگی‌ها ، به ویژه وابستگی‌های اقتصادی که از نظام منحوس سرنگون شده باقی مانده است ، و رها کردن نیروهای دفاعی از وابستگی مطلق تسلیحاتی به امپریالیسم آمریکا و امپریالیست‌های اروپای غربی ، شرط اساسی تأمین استقلال ملی است .

۴- تأمین امنیت ملی و حیثیت بین‌المللی ایران شرط مهم و اساسی برای خنثی ساختن همه دسیسه‌ها و توطئه‌هایی است که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ( که هرگز با انقلاب ایران آشتی نخواهد کرد ) علیه انقلاب ، و علیه استقلال و آزادی میهن ما بدان دست می‌زند .

### ب. نیرومند ساختن بنیه دفاعی کشور

امپریالیسم و ارتجاع جهانی و به ویژه ارتجاع منطقه که انقلاب ایران بر آنان ضربه دزدناکی وارد ساخته ، هرگز از توطئه برای ناکام ساختن این انقلاب دست برندخواهند داشت . ضد انقلاب شکست خورده ایران و نیروهای ارتجاعی منطقه هم ، گوش به فرمان امپریالیسم جهانی ، همیشه آماده هرگونه توطئه جنایت آمیز علیه انقلاب ایران هستند . تنها با نیرومند ساختن بنیه دفاعی کشور و تأمین همه جانبه امنیت داخلی می‌توان کامیابی هرگونه توطئه‌های را غیرممکن ساخت .

برای دفاع از انقلاب ضرور است که نیروهای مسلح کشور به منظور دفاع در برابر هرگونه تجاوزی ، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی آماده گردند . کیفیت نیروهای مسلح بستگی دارد به وفاداری خدشه‌ناپذیر این نیروها در تمام سطوحش به آرمان‌ها و آماج‌های انقلاب و در اختیار داشتن جنگ افزار امروزی و کاربرد و آمادگی فنی و رزمی . برای رسیدن به این کیفیت باید :

۱- با دگرگونی بنیادی در نظام درونی ارتش ، پایه‌های انسجام ارتش مردمی و انقلابی بوجود آید و با تأمین کامل و فارغ از انحصارطلبی‌های تنگ‌نظرانه ، با تأمین حق شرکت همه افراد ارتش در زندگی سیاسی کشور ما راه رشد سیاسی و شناخت اجتماعی کادر نیروهای مسلح هموار گردد ؛

۲- کادر فرماندهی ارتش و سایر نیروهای مسلح از بقایای سرسپردگان رژیم سرنگون شده پاکسازی شود ؛

۳- هرگونه وابستگی به امپریالیسم ، که دشمن اصلی و آشتی‌ناپذیر انقلاب ایران است ، ریشه‌کن گردد ؛

۴- از تمام امکانات برای خودکفایی ارتش تا حد ممکن بهره‌گیری شود ؛

۵- تدارک جنگ‌افزارهایی که تهیه آن در کشور ممکن نیست ، تنها در صورت عدم پذیرش هرگونه شرط سیاسی و اقتصادی و براساس بهترین ، ارزان‌ترین و بدون قید و شرط‌ترین پیشنهاد-

ها ، می تواند عملی گردد .  
عسکرها پاسداران انقلاب بطور همه جانبه - از لحاظ آموزش ، تجهیزات ، تسلیحات امروزین  
سبک و سنگین و سازماندهی تقویت شود و جای شایسته خود را در دفاع از انقلاب احرار کند .

### ج . سیاست خارجی مستقل و فعال

تامین استقلال و امنیت ملی و شرایط مناسب برای شکوفایی اقتصاد کشور بدون اجرای  
سیاست خارجی مستقل و فعال و متناسب با نیازهای انقلاب ایران مقدور نیست . سیاست  
خارجی ایران در زمان رژیم سرنگون شده سلطنت وابسته تابعی بود از سیاست تجاوزگرانه  
امپریالیسم جهانی . این سیاست باید از ریشه دگرگون شود و سیاست خارجی ایران بر اصول  
زیرین استوار گردد :

- ۱- برقراری مناسبات دوستانه با همه کشورهای جهان که استقلال میهن ما را به رسمیت  
می شناسند و حاضرند از تلاش خلق ما برای تحکیم این استقلال پشتیبانی کنند ؛
- ۲- تلاش ایران برای شرکت فعال در جنبش غیرمتعهدها ؛
- ۳- هواداری ایران از اصول همزیستی مسالمت آمیز و دفاع از صلح ؛
- ۴- امتناع پیگیر ایران از شرکت در هرگونه پیمان تجاوزکار امپریالیستی نظامی و یا شبه  
نظامی ،
- ۵- تلاش سیاسی برای آزاد ساختن خلیج فارس و دریای عمان از هرگونه دخالت نیروهای  
بیگانه ؛
- ۶- مخالفت و مبارزه فعال سیاسی برای جلوگیری از انعقاد قراردادهای نظامی تجاوزکارانه  
در منطقه خلیج فارس و دریای عمان به کارگردانی امپریالیست ها ؛
- ۷- تلاش برای انعقاد یک پیمان امنیت جمعی در منطقه خاور نزدیک و میانه و سراسر  
آسیا ؛

۸- حمایت همه جانبه از جنبش های رهایی بخش ملی در کشورهای استعمارزده ، به ویژه از  
جنبش خلق فلسطین ، برای درهم شکستن سلطه نظامی امپریالیسم در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس .

### د . تحکیم مبانی آزادی ، تأمین امنیت اجتماعی

شکوفائی جمهوری اسلامی نو بنیاد ایران تنها در صورت شرکت آزاد و فعال همه نیروهای خلق ،  
یعنی نودهای دهها میلیونی کارگران و دهقانان و پیشه وران و روشنفکران زحمتکش در تعیین  
سرنوشت کشور امکان پذیر است . هرگونه کوشش برای تحمیل نظریات قشری و تنگ نظرانه ، حرکت  
جامعه را به سوی شکوفائی تا حد فلج ، کند خواهد کرد .

- ۱ . تامین حقوق و آزادی های مردمی وقتی میسر است که همه سازمان های اجتماعی و  
سیاسی و صنفی مردمی و مترقی بدون هیچگونه محدودیت و تبعیض ، امکان فعالیت آزاد و برابر  
برای نشر و تبلیغ نظریات خود داشته باشند و به هیچگونه انحصارطلبی و اعمال فشار و تحمیل  
نظریات و تبعیض از سوی هیچ مقام و فردی راه داده نشود و هرگونه تجاوز به حقوق فردی و  
اجتماعی افراد و سازمان ها از سوی هر مقام مورد پیگرد قانونی قرارگیرد ؛



۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی که یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب شکوهمند میهن ما است و از همین رو مورد تأیید حزب توده ایران قرار گرفته، چهارچوب مناسبی برای تأمین و تضمین این آزادی‌ها بوجود آورده است. ولی این قانون خالی از برخی نارسایی‌ها و کمبودهاییست. برای از بین بردن این کمبودها باید این قانون در جهت تأمین حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی توده‌های محروم، در جهت غیرممکن ساختن هرگونه دستبرد به این حقوق تکمیل گردد؛

۳. در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی و تکمیل آن باید آزادی عقیده، دین، بیان، قلم، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، اتحادیه‌های صنفی، سکونت، مسافرت، انتخاب شغل، حق اعتصاب برای زحمتکشان و آزادی دفاع در محاکم و مصونیت‌های فردی به‌طور خدشه‌ناپذیر تأمین گردد و هرگونه دستبرد به این آزادی‌ها مورد پیگرد قانونی قرار گیرد؛

۴. مواد قانون اساسی در مورد تشکیل شوراها (به‌عنوان ارگان‌های اعمال حاکمیت محلی از روستا تا استان) باید بدون خدشه به‌موقع اجرا درآید؛

۵. زنان میهن ما که سهم عظیمی در پیروزی انقلاب داشته‌اند و هم‌اکنون برابر با مردان در پاسداری از انقلاب حماسه می‌آفرینند، با کمال تأسف علاوه بر محرومیت‌هایی که بر همه محرومان جامعه تحمیل می‌شده است، فشار طاقت‌فرسای یک‌رشته‌محرومیت‌های اجتماعی اضافی را به‌عنوان "زن" به دوش می‌کشند. با آن‌که در قانون اساسی جمهوری اسلامی مقام والای زن مورد ستایش قرار گرفته است، ولی در عمل این محرومیت‌ها نه‌تنها از بین نرفته، بلکه بر اثر عمل "قشریون" و "واپس‌گرایان" بر آن افزوده شده است. واقعیت این است که زنان کشور ما هنوز هم نیمه محروم‌تر جامعه ما را تشکیل می‌دهند. شکوفائی میهن ما در گرو تأمین برابری کامل زنان با مردان در همه میدان‌های زندگی اجتماعی است.

## ه. مسأله ملی

کشور ما کشوری است کثیرالمله که در آن خلق‌ها و اقوام گوناگون با زبان، فرهنگ و آداب و رسوم و عقاید مذهبی متفاوت طی تاریخ طولانی برای ساختن یک میهن واحد به‌هم جوش خورده و برای شکوفایی این میهن جان کنده‌اند و فرهنگ جهانی ارزنده‌ای بوجود آورده‌اند. در این میهن واحد، شرط ضرور تأمین وحدت ملی و پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی، تأمین اتحاد داوطلبانه و دور از هرگونه تحمیل خلقی بر خلق دیگر است. روا داشتن هرگونه محدودیت و تبعیض و یا تحقیر به خلق‌های کوچک‌تر از طرف خلق‌های بزرگ‌تر کشور، خیانت به وحدت ملی و استقلال کشور است و به دشمنان انقلاب و مردم ما امکان می‌دهد که تخم نفاق بپاشند و اتحاد و همبستگی خلق‌ها را متلاشی کنند و آن‌ها را به‌جان هم‌اندازند و از این راه جمهوری نوین‌یاد ایران را ناتوان سازند و زمینه را برای بازگشت سلطه جبارانه خود فراهم آورند.

از این رو است که شناسایی حق خودمختاری (و یا خودگردانی) اداری و فرهنگی و رفع عقب‌ماندگی‌های ناشی از سیاست ارتجاعی رژیم سرنگون شده، به‌وسیله انقلاب برای همه خلق‌های غیر فارس یکی از پایه‌های اساسی وحدت ملی و یکی از مهم‌ترین ضمانت‌ها برای استقلال و تمامیت ارضی کشور است. حل مسئله ملی یعنی پایان دادن به یکی از دردناک‌ترین

محروریت‌های جامعه غارتگر سرمایه‌داری تنها و تنها از این راه امکان‌پذیر است. تاریخ یک‌صدساله اخیر ایران نشان داد که با سرکوب نظامی می‌توان سکوت مرگبار را باز هم برای مدتی برقرار ساخت، ولی از این‌راه در جهت وحدت خلق‌ها حتی یک‌گام هم نمی‌توان به جلو برداشت.

اقلیت‌های مذهبی مقیم ایران که حقوق‌شان در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌باید در پناه جمهوری اسلامی در امنیت کامل زندگی‌کنند و در استفاده از زبان و گسترش فرهنگ و سنن ملی خود آزاد باشند

و. تقویت نظام شورایی به عنوان بهترین شکل برای تأمین شرکت فعال مردم

### در تعیین سرنوشت خویش

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل مربوط به شیوه حکومت آمده است: "قانون اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط‌گسستن از سیستم استبدادی، در سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند"

برای پیاده‌کردن واقعی این اصل، یگانه راه تقویت همه‌جانبه نظام شورایی در همه سطوح و ابعاد است. با پی‌ریزی و شکوفائی این نظام، توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکش حاکم به سرنوشت خویش می‌شوند و به بهترین وجهی ثبات امنیت اجتماعی را تضمین می‌کنند. شوراها در روستاها و کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و مدارس و ادارات برای شرکت در مدیریت و برنامه‌ریزی و شوراهای اجرایی در روستا و بخش و شهر و شهرستان و استان و مناطق اقلیت‌های ملی، تا مجلس شورای اسلامی همه و همه پایه‌های دموکراسی واقعی مردم به‌شمار می‌روند و بهترین سازمان را برای شرکت مردم در اداره امور کشور بوجود می‌آورند.

### ز. برای شکوفائی اقتصاد کشور

اقتصاد کشور ما در تمام دوران چند دهه‌ساله تسلط امپریالیسم و همدستان ایرانیش، یعنی خاندان پهلوی، بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران وابسته، به‌طور مشخص در جهت تأمین منافع اقلیت ممتاز و حداکثر غارتگری انحصارهای امپریالیستی و وابستگان‌شان در ایران تکامل یافته و با هزاران زنجیر به اقتصاد جهان امپریالیستی وابسته است. پی‌آمد چنین سیاست خائنانه‌ای این است که ما امروز شاهدش هستیم.

میهن ما ایران از لحاظ ثروت‌های طبیعی به‌درستی در فهرست غنی‌ترین کشورهای جهان جای دارد. کافی است در این چهارچوب اشاره شود که با آن که منابع نفتی به‌وسیله کنسرسیوم خون‌آشام امپریالیستی غارت می‌شد، تنها در ۵ سال قبل از انقلاب بیش از یک‌صد میلیارد دلار از فروش نفت به ما رسید که آن خود سهم کوچکی از ارزش واقعی نفت غارت‌شده بود. این خود

سهم کوچکی از ثروت‌های عظیم ملی است که می‌توان برای رشد اقتصاد مورد بهره‌برداری قرار داد.

مردم کشور ما از لحاظ فرهنگ ملی، استعداد، ابتکار و پشتکار در قیاس با هیچ‌یک از ملت‌های دیگر، کمبودی ندارند. نیروی انسانی و ثروت‌های طبیعی ما، زمین‌های پهناور قابل کشت و زرع، امکانات عظیم برای دامداری و دامپروری یعنی همه و همه عواملی که برای شکوفایی اقتصاد ضروری است، در میهن ما وجود دارد. ولی ما شاهد آن هستیم که در نتیجه تسلط جابرانه امپریالیسم غارتگر و سرسپردگانش، امروز میهن ما حتی برای سوزن و میخ و نان و گوشت و پنیر و هزاران مایحتاج کوچک و بزرگ دیگر دستش به‌سوی بازارهای امپریالیستی دراز است.

آن چه ما امروز شاهدش هستیم پی‌آمد تسلط ۶۰ساله نظام بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم جهانی است و راه نجات از این وضع فلاکت‌بار تنها در پایان دادن به اقتصاد نیمه فئودالی و سرمایه‌داری وابسته است. تاریخ تمام آن کشورهای "جهان سوم" که در جاده شوم رشد سرمایه‌داری افتاده‌اند، و تاریخ کشور خودمان، به روشنی بی‌سرانجامی و ناتوانی این راه رشد را برای چیره شدن بر عقب‌ماندگی تاریخی تایید کرده‌است. تنها سمت‌گیری در راه رشد غیرسرمایه‌داری، یعنی پایه‌ریزی اقتصاد مردمی، اقتصادی که هدفش برقراری عدالت اجتماعی، پایان بخشیدن به سلطه غارتگرانه بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران و کارگران نشان از یک سو و گسترش و پیشرفت همه‌جانبه اقتصاد کشور در جهت رسیدن به حداکثر خودکفایی و تامین رفاه اجتماعی از سوی دیگر است، می‌تواند تیره‌بختی‌های حاکم در جامعه کنونی ما را ریشه‌کن سازد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سنگ‌های بنیادین قابل توجهی برای یک چنین سمت‌گیری اقتصادی کار گذاشته است. لازم است بر این بنیاد، بنای اقتصاد مردمی و پیشرفته را برپا کرد. برای حرکت در این جهت حزب توده ایران ضروری می‌داند:

#### ۱. مسأله مالکیت وسایل تولید و راه رشد

مهم‌ترین مسئله در سمت‌گیری اقتصاد کشور تعیین دقیق راه رشد اقتصادی و اجتماعی و تعیین حدود مالکیت وسایل تولید صنعتی و کشاورزی، زمین و ساختمان‌های مسکونی است. در قانون اساسی به‌درستی برای اقتصاد کشور ۳ بخش دولتی و تعاونی و خصوصی در نظر گرفته شده و تا حد معینی حدود عمل این ۳ بخش تعیین گردیده‌است.

حزب توده ایران بر آن است که شکوفایی اقتصاد کشور و تامین عدالت اجتماعی تنها از راه رشد بدون وقفه بخش‌های دولتی و تعاونی در اقتصاد و محدود کردن بخش خصوصی به فعالیت در رشته‌های کمکی با سرمایه‌گذاری متوسط و کوچک تحت کنترل همه‌جانبه دولت امکان‌پذیر است. این کنترل دولتی باید شامل حدود تراکم و تکان سرمایه و میزان سودبرداری از این سرمایه‌گذاری باشد. هرگونه راه حل دیگر که انباشت سرمایه و میزان سودبرداری را محدود نگرداند، راه را برای بازگشت تسلط نظام غارتگر سرمایه‌داری هموار خواهد کرد. هم‌اکنون عملکرد سرمایه‌داری تجاری و تا حد معینی سرمایه‌داری وابسته به زمین و مسکن این خطر را در مقابل چشم همه مردم قرار داده و ضرورت مبارزه همه‌جانبه برای ریشه‌کن کردن این تسلط غارتگرانه و محدود کردن فعالیت سرمایه‌دار این زمینه‌ها را از طرف وسیع‌ترین اقشار جامعه ایران، مطرح کرده‌است.

راه رشد غیر سرمایه‌داری، متضمن محدود کردن عرصه‌های فعالیت سرمایه‌داری بخش

خصوصی، محدود کردن میزان مالکیت و محدود کردن میزان سودبرداری از یکسو و گسترش همه‌جانبه و فراگیر بخش‌های دولتی و تعاونی اقتصاد در همه زمینه‌های تولید صنعتی، تولید خردکالایی صنعتی و کشاورزی و توزیع محصولات مصرفی، از سوی دیگر است.

## ۲. گسترش همه‌جانبه بخش دولتی و بخش تعاونی

یگانه‌ضامن تقویت سمت‌گیری مردمی در اقتصاد گسترش همه‌جانبه بخش دولتی و بخش تعاونی در همه زمینه‌های فعالیت اقتصادی، یعنی صنایع، کشاورزی و خدمات می‌باشد. تنها از راه گسترش همه‌جانبه بخش دولتی می‌توان بخش خصوصی را که همواره در جهت گسترش وریشم‌دواندن نظام غارتگر سرمایه‌داری است، زیر کنترل قرار داد و مجموعه اقتصاد کشور را در جهت تامین خواست‌های توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا و پیشرفت همه‌جانبه کشور به سوی استقلال کامل اقتصادی هدایت کرد.

تنها با گسترش بخش دولتی و بخش تعاونی ممکن است اقتصاد را طبق برنامه رهبری کرد، چیزی که بدون آن تامین استقلال اقتصادی غیرقابل دسترسی خواهد بود.

گسترش بخش تعاونی امکان شرکت وسیع مردم و به‌ویژه زحمتکشان را در تعیین سرنوشت خویش تامین می‌کند و به آنان امکان می‌دهد که خود را، چه در تولید و چه در زمینه به‌دست آوردن وسایل زندگی از چنگال‌های غارتگر کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان آزاد سازند. گسترش بخش تعاونی یکی از پایه‌های تامین آزادی اقتصادی زحمتکشان می‌باشد که خود از پایه‌های آزادی سیاسی و اجتماعی است.

## ۳. برنامه‌ریزی علمی برای مجموعه اقتصاد

دردوران ما، با رشد گسترده نیروهای مولده و تکامل مناسبات تولیدی، و افزایش نیازمندی‌های زندگی مردم و گستردگی مناسبات گوناگون با دنیای خارج، اقتصاد کشور به‌صورت مجموعه‌ای بس بغرنج درآمده است. در چنین شرایطی هماهنگ کردن همه عناصر تشکیل دهنده و موثر در این مجموعه اهمیت خاصی پیدا کرده است. افزایش بحران‌های مختلف و شدت یافتن بیماری‌های گوناگون بی‌درمان جوامع سرمایه‌داری، ضرورت و اهمیت برنامه‌ریزی علمی را در اداره اقتصاد کشور تاکید می‌کند. به‌ویژه در جریان تکامل آینده اقتصاد کشور ما که دوران تحولی بسیار دشوار و بغرنجی آغاز می‌شود، چنین برنامه‌ریزی علمی نقش تعیین‌کننده دارد. در جهان امروز ما، تجارب بسیار گرانبها و ارزشمندی برای تنظیم برنامه‌های اقتصادی برپایه شناخت علمی و در نظر گرفتن تناسب میان آماج‌های مشخص، اندوخته شده است که باید از آن برای تنظیم برنامه رشد اقتصادی کشور بهره جست.

## ۴. در زمینه اقتصاد کشاورزی و دامداری

برای ایجاد یک اقتصاد کشاورزی و دامداری سالم و مردمی به‌سود دهقانان اقدامات زیرین ضرور است:

الف - بازمانده‌های اقتصاد فئودالی که به صورت مالکیت بزرگ بر زمین‌های قابل کشت و

آب و وسایل کشاورزی، هنوز به میزان وسیعی وجود دارد، باید برانداخته شود. واقعیت این است که هنوز پس از دو سال که از پیروزی انقلاب می‌گذرد این تکیه‌گاه عمده رژیم سرنگون شده که بیش از ۶۰٪ تمام مردم کشور را در چنگال خود می‌فشد، تقریباً دست‌نخورده باقی مانده است. بزرگ‌مالکان هنوز قدرت اقتصادی و سیاسی خود را در روستای ایران نگاه‌داشته‌اند و هنوز هم خطرناک‌ترین تکیه‌گاه ضد انقلاب به حساب می‌آیند.

در آستانه پیروزی انقلاب بیش از ۵۰٪ از بهترین زمین‌های حاصل‌خیز کشور و درصد به مراتب بیشتری از آب و وسایل کشاورزی و دام در مالکیت بزرگ‌مالکان بوده است و با کمال تأسف تاکنون تغییر محسوس و دگرگون‌کننده‌ای در این وضع پیدا نشده است. آمار جمهوری اسلامی حاکی است که هم‌اکنون بیش از ۵۰٪ جمعیت روستایی ایران رادیه‌فانان بی‌زمین تشکیل می‌دهند. پی‌آمد این وضع این بوده و هست که چند میلیون نفر از ساکنان روستای ایران یا کلاً فاقد زمین برای کشت هستند و یا مقدار ناچیزی زمین دارند.

آخرین آمار دولت جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که از ۱۶۴ میلیون هکتار مساحت کشور، تنها کم‌تر از ۱۰ میلیون هکتار سالیانه زیر کشت است که از آن ۶/۳ میلیون هکتار کشت دیم و تنها ۳/۷ میلیون هکتار کشت آبی است.

جمعیت دهقانان زحمتکش ایران بالغ بر ۱۸ میلیون می‌شود که مجموعاً حدود ۳/۵ میلیون خانوار را تشکیل می‌دهند. به این ترتیب اگر تمام زمین‌های زیر کشت به‌طور مساوی بین خانوادگان دهقانی تقسیم شود، به‌هر خانوار ۵ نقره فقط یک هکتار زمین آبی و ۱/۷ هکتار زمین دیم خواهد رسید.

میزان آب قابل استفاده برای کشاورزی در حدود ۲۶ میلیارد مترمکعب است که همین مقدار نزدیک به ۴ میلیون هکتار زمین را می‌تواند سیراب کند.

این آمارها نشان می‌دهد که حل مسئله اصلاحات ارضی تا چه اندازه برای تامین حداقل زندگی "بخور و نمیر" زحمتکشان تهی دست روستا، این محروم‌ترین قشرهای جامعه ما ضرور و تاخیر ناپذیر است.

این آمارها این‌را هم نشان می‌دهد که مسئله افزایش اراضی قابل کشت و تهیه آب با استفاده از همه امکانات علمی و فنی پیشرفته تا چه حد به صورت یکی از مبرم‌ترین مسائل پایای اقتصاد کشور ما درآمده است.

تصمیم انقلابی شورای انقلاب درباره اصلاحات ارضی که پس از برکناری دولت بورژوازی لیبرال گرفته شد، گام مهمی برای ریشه‌کن ساختن این پایگاه ضد انقلاب بشمار می‌آید. با کمال تأسف، ارتجاع در وجود بزرگ‌مالکان، کلان‌سرمایه‌داران و بخشی از روحانیت وابسته به آنان (یعنی وعاظ السلاطین) توانسته است با توسل به انواع تحریکات و به‌ویژه استفاده از دشواری‌های ناشی از جنگ تحمیلی آمریکا - صدام، از انجام این تصمیم مردمی و خلقی به‌سود محرومان روستا جلوگیری کند. حزب توده ایران انجام این اصلاحات را یک گام اساسی در زمینه دگرگونی‌های بنیادی در نظام اقتصادی کشور به‌سود محرومان می‌داند و خواستار تحقق بی‌خداشه آن است.

ب - تشکیل و تقویت همه‌جانبه تعاونی‌های تولید کشاورزی دهقانان برپایه داوطلبی - دومین گام اساسی در راه پایان بخشیدن به فلاکتی است که روستای ایران را فرا گرفته است. تنها با واگذاری زمین - بدون کمک به تشکل و همیاری دهقانان، بدون کمک مادی برای تهیه آب کافی، وسایل کشاورزی، بذر و کود و سموم، اقتصاد کشاورزی را نمی‌توان از بن بست

کنونی بیرون آورد. بالا بردن تولید کشاورزی بدون کمک‌گیری از شیوه‌های علمی و فنی (یعنی بدون کاربرد ماشین‌های کشاورزی و کود شیمیایی و سموم و روش‌های نو و پیشرفته کشاورزی) امکان‌پذیر نیست و به کارگرفتن این امکانات در چهارچوب واحدهای کوچک تک‌خانواری تولید کشاورزی غیرممکن است. تنها با تشکیل تعاونی‌های تولید و نیز انواع تعاونی‌های دیگر (مانند تعاونی‌های اعتبار و فروش و مصرف) و پشتیبانی همه‌جانبه آن‌ها از دهقانان زحمتکش و نیز تامین بیمه‌های لازم کشاورزی می‌توان به هدف‌های انقلاب در زمینه کشاورزی نزدیک شد. ج- خرید مازاد محصولات کشاورزی از دهقانان و از تعاونی‌های تولید کشاورزی به وسیله دولت و ریشه‌کن ساختن غارتگری سلف‌خرها، واسطه‌ها، "عمده‌التجارها" و کارگزاران آنان. د- تعیین قیمت‌خرد محصولات کشاورزی بر پایه ارزیابی دقیق اقتصادی در ارتباط با شرایط جوی و تولید به طوری که دشواری‌های حاصله از نامناسب بودن شرایط جوی برای کشاورزی به صورت فاجعه‌ای، اقتصاد ناتوان دهقانی و تعاونی را زیر فشار نگردد.

ه- به کار انداختن امکانات مادی در زمینه بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی و فنی برای تهیه آب، از راه جلوگیری از به هدر رفتن آب‌های موجود. استفاده از آب‌های زیرزمینی، بی‌نمک کردن آب‌های شور و استفاده از این‌گونه آب‌ها برای کشت محصولات معین یکی دیگر از اقدامات حیاتی برای رشد کشاورزی میهن ماست.

و- برای کمک موثر به اقتصاد دهقانی، صرفه‌جویی در نیروی کار و بالا بردن بازدهی کشت و در مراحل بعدی برای کمک به اقتصاد تعاونی، ایجاد مراکز ماشین‌آلات کشاورزی و تعمیرگاه‌ها و به‌طور کلی حرکت در جهت ماشینی کردن همه‌بخش‌های تولید کشاورزی دارای اهمیت تعیین‌کننده برای رسیدن به خودکفایی است.

ز- حزب توده ایران بر آن است که به موازات تقویت همه‌جانبه تعاونی‌های کشاورزی در همه زمینه‌ها (یعنی تولید، تهیه مواد اولیه، فروش مازاد) تا حد فرا گرفتن عمده‌ترین بخش اقتصاد دهقانی باید به‌بخش دولتی اقتصاد کشاورزی، چه در زمینه کشت و زرع و چه در زمینه دامداری، توجه خاصی مبذول داشت. نگاه‌داری و گسترش واحدهای بزرگ کشت و صنعت مانند دشت مغان، اراضی زیر سد دز و نظایر آن‌ها و ایجاد واحدهای نظیر در مناطق دیگر کشور باید در صدر برنامه دولت قرار گیرد.

ح- یکی از بزرگ‌ترین کمبودهای تولید داخلی کشور، در زمینه تولیدات دامی، یعنی گوشت و مرغ و ماهی، موادشیری، تخم‌مرغ و غیره است. برای چیره‌شدن بر این کمبود جلوگیری از صدور سالیانه مبالغ هنگفتی ارز حاصله از نفت برای خرید از کشورهای دیگر، باید با برنامه ریزی دقیق ۳ بخش اساسی تربیت و نگاه‌داری دام، یعنی دامداری سنتی طبیعی (عشایری)، دامداری تک‌خانواری دهقانی و دامداری صنعتی در تعاونی‌ها و در واحدهای بزرگ دامداری دولتی را تقویت کرد و گسترش داد. تنها از راه گسترش تربیت دام در همه این رشته‌ها می‌توان به خودکفایی دست یافت.

ط- عشایر توده چند هیلپونی را در کشور تشکیل می‌دهند که در امر دامداری و کشاورزی نقش غیرقابل انکاری دارند. بررسی و شناخت مسائل ویژه آن‌ها و پیدا کردن راه‌های مشخص حل این مسائل با تمام جوانب اقتصادی و فرهنگی و سنتی و سیاسی آن، یک وظیفه مهم در برابر انقلاب است. باید این توده نژادیک به شش میلیون را از مواهب تمدن و پیشرفت و دستاورد های علوم و فنون برخوردار کرد و قبل از آن ابتدایی‌ترین شرایط زندگی انسانی شایسته عصر انقلاب را برای آن‌ها فراهم نمود. باید بدون شتابزدگی و ساده‌اندیشی زمینه را برای ارتقاء مداوم



سطح تولید عشایری و غلبه بر واپس ماندگی‌ها آماده نمود؛ به نقش‌عشایر در تامین بسیاری از فرآورده‌های ضرور در اقتصاد کشور ارج شایسته نهاد و آن‌را از نظر کمی و کیفی بهبود بخشید.

ی - جنگل یک ثروت بزرگ و بسیار گرانبهاست که در صورت توجه لازم و محافظت، پایان‌ناپذیر و سرچشمه منافع بی‌شمار است. باید در نگاهداری و توسعه جنگل حداکثر کوشش را به‌کار برد و جنگلبانی را به یک نهاد فعال و موثر در اقتصاد ملی بدل کرد و جلوی هرگونه غارت بی‌رویه جنگل و قطع خودسرانه درختان را قاطعانه گرفت و برنامه دقیق و علمی و مسئولانه استفاده از جنگل را به‌مثابه یک منبع خودزا تدوین کرد.

ک - ایجاد یک تحول اساسی در سیستم وام و اعتبار کشاورزی اقدام مهم و ضرور دیگر است. هدف این است که در مرحله کنونی وام به‌طور جمعی (به‌عنوانی یا به شورای ده) درمحل، به موقع، به میزان کافی، موثر در تولید، زیر نظارت پرداخت شود. بانک تعاون کشاورزی می‌تواند نقش مهم و موثری در احیای کشاورزی ما و بهبود شرایط کار و زندگی دهقانان و تحکیم نهادهای واقعی تعاونی دهقانی در روستا داشته باشد.

ل - عمران روستایی و بهسازی دهات و ایجاد راه‌های روستایی از جمله مسائلی است که تاثیر مستقیم و بلاواسطه در احیای اقتصاد کشاورزی ما دارد. زیرا از این لحاظ وضع به‌قدری اسفناک و سطح به‌اندازه‌ای نازل است که بدون حداقل تغییر در وضع مسکن و عمران روستایی و پایان دادن به نابسامانی‌های وحشتناک آموزشی و بهداشتی در روستاها و همچنین حداقل بهسازی محیط زیست و ایجاد راه‌های فرعی نمی‌توان امیدی به تحول جدی و تغییر بنیادی در اقتصاد کشاورزی داشت. برای رسیدن به این هدف همکاری و هماهنگی نهادهای انقلابی و موسسات دولتی مربوطه طبق برنامه معین و زمان‌بندی‌شده ضرورت دارد.

م - ایجاد یک سیستم برنامه‌ریزی کشاورزی با مدت‌های کوتاه و متوسط و دراز، درزمینه‌های مختلف، با توجه به اولویات و ضروریات احیاء و رشد اقتصاد سالم و مستقل کشاورزی، با توجه به تنوع تولید، با توجه به نقش بخش‌های سه‌گانه دولتی و تعاونی و خصوصی و سهم هر یک باید حتماً عملی شود تا بتوان به هدف‌های برنامه‌های انقلاب رسید.

## ۵. صنایع و معادن

روند صنعتی کردن کشور، در دوران تسلط وابسته سلطنتی، تنها با سمت‌گیری در جهت تامین سود حداکثر برای انحصارهای سرمایه‌داری کشورهای امپریالیستی و طبقه غارتگر سرمایه‌دار وابسته ایران انجام گرفت و سرتاپا بیمار است. گسترش بی‌بندوبار صنایع مونتاژ که بخش عمده‌ای از صنایع کشور را تشکیل می‌دهند در همین سمت بوده و زیان‌های دردناک آن‌را امروز که کشور ما می‌خواهد در راه گسستن زنجیرهای وابستگی اقتصادی گام بردارد، باگوشت و پوست خود احساس می‌کنیم.

یگانه راه‌تأمین استقلال اقتصادی میهن (که پایه‌ی تامین استقلال در زمینه‌های دیگر نیز هست) ازگسترش همه‌جانبه صنایع سنگین و بهره‌گیری حداکثر از منابع و ثروت‌های طبیعی در داخل کشور آغاز می‌شود. اهمیت این برداشت را نقش‌بی‌اندازه مثبت یگانه واحدهای مهم صنعتی که در این عرصه بوجود آمده‌اند، یعنی مجتمع ذوب‌آهن اصفهان، کارخانه‌های ماشین‌سازی اراک و تبریز و کارخانه تراکتورسازی که همه در چهارچوب همکاری فنی و اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی ساخته شده و برخی در اثر سیاست نواستعماری مثله گردیده‌اند، نشان

بر این اساس، حزب توده ایران بر آن است که روند صنعتی کردن کشور باید با قائل شدن اولویت برای صنایع سنگین که همگی در بخش دولتی متمرکز باشند، طبق برنامه ریزی علمی دقیق پایهریزی شود. هرگونه انحراف از این یگانه سمت گیری برای پیشرفت اقتصادی کشور، تأمین استقلال اقتصادی را به خطر خواهد انداخت و راه را برای بازگشت وابستگی به دنیای امپریالیستی باز خواهد کرد.

کشور ما این امکان بزرگ را در اختیار دارد که حتی با صادرات محدود نفت و گاز می تواند به موازات تأمین ضروریات روزمره زندگی مردم، سرمایه های لازم برای ایجاد صنایع سنگین در اختیار داشته باشد و با بهره گیری از همه امکانات مساعد و مناسب برای انقلاب ایران در صحنه جهانی و به ویژه امکانات مناسبی که کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورهای مستقل از تسلط امپریالیسم، می توانند در اختیار انقلاب ایران بگذارند، بنای این استخوان بندی اساسی اقتصاد ایران را بالا ببرد.

ثروت ملی میهن ما اجازه می دهد که به موازات گسترش صنایع سنگین، به ویژه ذوب فلزات سیاه و رنگین و پتروشیمی و ماشین سازی، ما بتوانیم همه رشته های صنایع سبک یعنی تهیه کالاهای مصرفی را گسترش دهیم و در راه تأمین خودکفائی گام های پرشتابی برداریم.

در مورد گسترش فعالیت اقتصادی در زمینه بهره برداری از ثروت های طبیعی به ویژه نفت و گاز و دیگر ثروت های معدنی، حزب توده ایران بر آن است که این ثروت متعلق به نسل های آینده میهن نیز هست و ارزش همه این مواد هر روز بیشتر می گردد. بهره گیری از معادن باید تنها در چهارچوب مورد لزوم برای تأمین سرمایه گذاری در رشته صنایع سنگین و رسیدن به خودکفائی باشد. هرگونه بهره گیری از این معادن برای تهیه لوازم مصرفی لوکس و غیر لازم، خیانت به نسل های آینده مردم ما است. در این زمینه حداعلاهی صرفه جویی یک وظیفه بزرگ میهنی است.

## ۶. تجارت خارجی

تجربه جهانی و در تأیید آن تجربه ۶۰ ساله اخیر میهن ما این واقعیت را تأیید کرده که تجارت خارجی یکی از عمده ترین مجراهای تسلط سرمایه های انحصاری امپریالیستی بر اقتصاد کشور، یکی از مجراهای تأمین غارت مشترک غارتگران خارجی و داخلی و فرار بدون مانع عمده ترین بخش از ثروت های ملی و محصول رنج زحمتکشانشان کشور است.

درست بر پایه همین شناخت، در قانون اساسی جمهوری اسلامی مسئله ملی کردن تجارت خارجی به عنوان یکی از اصول مهم اقتصادی در نظر گرفته شده است.

اجرای تام و تمام و بدون خدشه این اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی از مهم ترین خواست های مردم ایران در راه تأمین استقلال اقتصادی است.

حزب توده ایران بر آن است که این اصل در تمام ابعادش در کوتاه ترین مدت به موقع اجرا درآید. حزب توده ایران بر آن است که در چهارچوب تجارت خارجی ملی شده، تمام مبادلات اقتصادی با دنیای خارج باید بر اساس زیر استوار باشد:

الف - برای واردات: مرغوبیت کالا و مناسب بودن بها و اجتناب از هرگونه قید و شرط سیاسی؛



ب - برای صادرات: مناسب بودن قیمت و اجتناب از پذیرش هرگونه قید و شرط تحمیلی.

## ۷. تجارت داخلی و توزیع کالا

تجارت داخلی و توزیع کالاهای مورد مصرف همگانی یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد کشور و یکی از عوامل تعیین‌کنندهٔ مجموعهٔ اقتصاد است. پیش از انقلاب این بخش تقریباً به‌طور انحصاری در دست سرمایه‌داری و خرده‌بورژوازی تجاری بود و به‌وسیلهٔ کلان سرمایه‌داران وابسته به رژیم سلطنت مطلقه و امپریالیسم اداره می‌شد و یکی از راه‌های غارت بی‌بندوبار حاصل دسترنج توده‌های ده‌ها میلیون‌تنی زحمتکشان شهر و روستا بود. پس از انقلاب هم‌تاکنون، صرف‌نظر از برخی اقدامات بسیار محدود (مانند توزیع قند و شکر)، نه‌تنها تغییر محسوسی در این وضع حاصل نگردیده و گام‌های موثر در راه محدود کردن واردات غیر ضرور برداشته نشده، بلکه بی‌بندوباری و بی‌پروایی تجار بزرگ پستی گردانندگان بازار و دلالان و واسطه‌ها در غارت مردم از راه گران کردن روزه‌مرهٔ کالاهای مصرفی ابعاد خطرناک و تهدیدکننده‌ای به‌خود گرفته است. با کمال تأسف دولت جمهوری اسلامی تاکنون بیشتر به نصیحت و موعظه پرداخته است و فکر می‌کند از این راه می‌توان دزدان زالوصفت را تغییر ماهیت داد. البته روشن است که این شیوه‌ها تنها به‌درد این می‌خورد که برای مدت کوتاهی مردم کم‌آگاه را امیدوار سازد و خواب کند.

واقیبت این است که بهره‌گیری از اهرم اقتصادی برای سرمایه‌داری که موجودیت خود را در خطر می‌بیند، نه تنها یک شیوهٔ غارتگری است، بلکه به‌عنوان یک اهرم سیاسی برای ناراضی کردن مردم و روگردان شدن آنان از انقلاب به کار می‌رود.

پیروزی انقلاب مردمی در این میدان نبرد تنها از این راه میسر است که:

۱. حلقهٔ تدارکات یعنی خرید عمده کالاهای تولیدی از کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی، از تولیدکنندگان خرده‌پا از دست سرمایه‌داران بزرگ گرفته‌و به بخش دولتی و تعاونی‌های بزرگ انتقال یابد؛

۲. کلیهٔ واسطه‌ها چه در بخش تدارکات و چه در بخش توزیع حذف گردد و مراکز عمدهٔ تدارکات مستقیماً با حلقهٔ پائینی توزیع، یعنی فروشندگان جزء و تعاونی‌های توزیع و شبکهٔ فروشگاه‌های دولتی مربوط گردند؛

۳. به‌موازات شبکهٔ توزیع کوچک خصوصی یک شبکهٔ توزیع دامنه‌دار و فراگیر دولتی و تعاونی که یگانه عامل تثبیت قیمت‌ها و مبارزه با گران‌فروشی و احتکار در شبکهٔ توزیع است، بوجود آید.

## ۸. خدمات

همان‌گونه که شاهدش هستیم، بخش خدمات بادها و ده‌ها رشته ویژه هرروز در جامعهٔ در حال رشد میهن ما گسترش بیشتری پیدا می‌کند و هم‌اکنون یکی از بخش‌های مهم اقتصادی راکه‌با زندگی روزه‌مرهٔ وسیع‌ترین اقشار جامعه در پیوند است، تشکیل می‌دهد. این بخش تاکنون در چهارچوب اقتصاد لجام‌گسیخته و بی‌بندوبار سرمایه‌داری رشد کرده و به‌تدریج به‌صورت یکی از بخش‌های غیرقابل کنترل اقتصادی درآمده است.

رفاه عمومی ایجاب می‌کند که در این بخش برای تامین احتياجات مردم نظم و تناسب عادلانه بین کار انجام شده و دستمزد مورد تقاضا، برقرار گردد. رسیدن به این هدف‌ها تنها از راه ایجاد یک شبکه دولتی خدمات برای تثبیت و تعیین دستمزدها و ایجاد تعاونی‌های فراگیر برای این بخش، امکان‌پذیر است. در ضمن این تعاونی‌ها کمک موثری برای تامین ندارکات مورد نیاز بخش خدمات هستند.

## ح. اصلاحات اجتماعی

### ۱. توزیع عادلانه درآمد ملی

تنظیم توزیع عادلانه درآمد ملی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده، یکی از مهم‌ترین وظایف دولت انقلابی خلقی است. اساس حاکمیت نظام سلطنتی بزرگ‌مالکان و کلان‌سرمایه‌داران وابسته بر برداشت غارتگرانه طبقات حاکمه از درآمد ملی و استثمار جان‌فرومای توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکش استوار بود. پیروزی نهایی انقلاب در گرو برانداختن و ریشه‌کن ساختن این نظام غارتگر و استقرار یک نظام عادلانه در زمینه توزیع درآمد ملی برجای آن است. دسترسی به این هدف والا تنها از این‌راه ممکن است که:

تناسب معقول برحسب شرایط و امکانات و با در نظر گرفتن مبانی و محاسبات علمی میان بخش ضروری برای انباشت اجتماعی در مجموعه اقتصاد و بخش مناسب برای مصرف و تقسیم علمی و معقول این بخش به دورشته مصرف عمومی و مصرف خصوصی، مشخص شود؛ فاصله و تناسب عادلانه‌ای مبتنی بر امکانات درآمد ملی و ضروریات رشد اقتصادی در میان حداقل و حداکثر درآمد نه تنها در بخش دولتی و تعاونی، بلکه در بخش خصوصی نیز - مشخص و تامین گردد؛

قانون دقیق برای مالیات‌ها به‌عنوان وسیله‌ای برای تنظیم این تقسیم عادلانه درآمد و ابزاری برای جلوگیری از افزایش غیر عادلانه ثروت تدوین شده و به‌طور قاطع و پیگیر به‌موقع اجرا گذاشته شود. بودجه دولت نباید وسیله تجدید توزیع درآمد ملی به‌سود غارتگران باشد، بلکه باید به‌افزار تجدید توزیع درآمد ملی به‌سود مردم زحمتکش بدل شود.

### ۲. کار، دستمزد، حقوق

در قانون اساسی جمهوری اسلامی مسئله تامین کار و وسیله کار برای همه افراد جامعه که آموختگی و توانایی کارکردن دارند، به‌عنوان اصول در نظر گرفته شده است. مسلم این است که با رشد بدون وقفه جمعیت کشور و محدود بودن امکان فعالیت در روستا و ادامه سیل مهاجرت به شهرها، جمعیت شهرها و درخواست‌کنندگان کار هر روز بالا خواهد رفت و آنچه امروز به‌صورت یک مسئله بسیار دشوار در برابر دولت قرار گرفته است، هر روز دشوارتر خواهد شد. در این زمینه دولت انقلابی مردمی باید وظایف زیرین را عملی سازد:

الف - تامین اشتغال برای این توده‌های میلیونی؛

ب - بالا بردن پیگیر تخصصی کارگران با رشد امکانات فنی و آموزشی کار؛  
ج - تامین حداقل دستمزد و حقوق برپایه احتیاجات ضروری و به تناسب شرایط کار و شرایط جغرافیایی با در نظر گرفتن پایه متحرک تعیین حقوق برای جلوگیری از تاثیر نامطلوب نوسانات اقتصادی بر زندگی زحمتکشان، پرداخت مدد معاش به کارگران و کارمندان معیل به نسبت افراد خانواده؛

د - تنظیم یک قانون کار مترقی بر پایه خواست‌های به حق کارگران؛

ه - تامین حقوق بازنشستگی برای همه زحمتکشان شهر و روستا؛

و - کم کردن حداکثر ساعت کار در هفته به تناسب پیشرفت و گسترش اقتصاد کشور و کم کردن فوری ساعت کار برای مشاغل دشوار (مانند کار در معادن و در برابر کوره‌های ذوب فلزات و نظایر آن‌ها) و زیان‌بخش برای تندرستی (مانند موسسات بهداشتی و کارخانه‌های شیمیایی و غیره) و تامین مرخصی سالانه برابر برای کارگران و کارمندان؛

ز - به رسمیت شناختن قراردادهای دسته‌جمعی برای کارگران واحدهای صنعتی و کشاورزی؛

ح - اجرای اصل دستمزد و حقوق مساوی برای کار مساوی در مورد زنان کارگر؛

ط - ایجاد شبکه وسیع فراگیر از شیرخوارگاه‌ها و کودکستان‌ها برای کمک به زنان زحمتکش و ایجاد امکان تربیت اجتماعی نوباوگان در سال‌های پیش از مدرسه و نیز ایجاد واحدهای زایشگاهی برای چند روستای به هم نزدیک به منظور کمک به روستائیان.

## ۲. بهداشت عمومی و بیمه‌های اجتماعی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی تامین بهداشت مجانی و عمومی و تنظیم بیمه‌های اجتماعی برای همه مردم در نظر گرفته شده است.

واقعیت زندگی جامعه ما شاهد آن است که خدمات بهداشتی و درمانی در کشور ما در سطح بسیار عقب‌مانده‌ای است. تنها اقشار مرفه و پردرآمد جامعه می‌توانند از این خدمات استفاده کنند. تنها با یک انقلاب واقعی می‌توان به این عقب‌ماندگی دردناک پایان بخشید و برای این کار ضروری است که:

الف - بخش خدمات درمانی و بهداشتی در تمام ابعادش ملی گردد و دولت مسئولیت تامین همه وسایل برای خدمات بهداشت و درمان و توزیع عادلانه آن‌را در شهر و روستا به عهده بگیرد؛

ب - با توسعه دانشکده‌های پزشکی، دانشسراهای بهداشتی و درمانی، شبکه مدارس برای تربیت کادر کمکی درمانی و پذیرش دانشجویان محلی برای تربیت کادر پزشکی و بهداشتی به نسبت احتیاج و امکان باید در جهت رفع کمبودهای عظیم در این زمینه گام برداشت؛

ج - با ایجاد شبکه وسیع درمانگاه‌ها، بیمارستان‌ها، زایشگاه‌ها و آسایشگاه‌ها برای دوران نقاهت در سراسر کشور و برای استفاده همه مردم، در جهت از بین بردن این عقب‌افتادگی دردناک حرکت کرد؛

د - برای نقاط کم جمعیت و پراکنده باید یک سیستم فراگیر آزمایشگاه‌ها و درمانگاه‌های سیار بوجود آورد؛

ه - برای معلولان و سالخورده‌گان و بیماران لاعلاج، موسسات مخصوص آماده کرد؛

و - در مورد بیمه‌های اجتماعی در کشور قوانینی با بردی بسیار محدود وجود دارد که به

هیچ‌وجه جوابگوی ضروریات زندگی زحمتکشان میهن ما نیست. باید این کمبود از راه تدوین و اجرای قوانین مترقی و فراگیر بیمه‌های اجتماعی، به‌سود زحمتکشان شهر و روستا، رفع گردد، قوانینی که پاسخگوی همه خواست‌ها در زمینه درمان و بهداشت، در زمینه بیکاری، در مورد بیماری، معلولیت و پیری و از کارافتادگی باشند.

#### ۱. حل مسأله مسکن

یکی از بزرگ‌ترین دشواری‌های توده‌های ده‌های میلیونی محرومان جامعه ما مسئله مسکن است، که در عین حال یکی از میدان‌های غارت بی‌بندوبار سرمایه‌داران "بزاز و بفروش" و اجاره‌خوار است. زمین‌خواران و در راسشان خاندان پهلوی در دوران ۵۰ ساله حکومت گذشته عدها و صدها میلیارد تومان از ثروت ملی و درآمد ملی و حاصل‌کار زحمتکشان را از راه‌بالا بردن مصنوعی قیمت زمین در شهرها دزدیدند و آن‌را یا به‌صورت ارز از کشور خارج کردند و یا به‌صورت سرمایه برای غارت مجدد در درون کشور به‌کار انداختند. در تمام دوران این نظام غارتگر، عمده فعالیت ساختمانی جامعه در راه ایجاد کاخ‌ها و کاخ‌چها، برای غارتگران و کارگزارانشان، در راه ایجاد تاسیسات شهری برای بلاشهری‌ها، یعنی اقشار ثروتمند و مرفه جامعه به‌کار می‌رفت و در شرایط مسکن رقت‌بار میلیون‌ها و میلیون‌ها نفر از زحمتکشان شهر و روستا تغییری پیدا نشد. هنوز میلیون‌ها نفر در زاغه‌ها و شبه‌زاغه‌ها مانند زورآبادها، حصیر-آبادها، حلبی‌آبادها و یا در خانه‌های گلی و نمناک روستایی زندگی می‌کنند.

با کمال تأسف باید این واقعیت را یادآور شد که پس از پیروزی انقلاب هم تاکنون حتی برپایه امکانات موجود، یعنی حل مسئله مسکن در چهارچوب تقسیم عادلانه ساختمان‌های مسکونی موجود، اقدام موثری انجام نگرفته‌است. تنها در تهران بیش از صدهزار واحد مسکونی عریض و طویل خالی و بدون استفاده که متعلق به بزرگ "محتکرین" زالوصفت صاحب مستغلات است، وجود دارد؛ درحالی‌که هزاران خانواده زحمتکش در جستجوی خانه‌اند و میلیون‌ها نفر از محرومان جامعه در سوراخ‌هایی به‌نام خانه و اتاق زندگی رقت‌باری را می‌گذرانند.

حل مسئله مسکن یکی از مهم‌ترین وظایف دولت مردمی است و باید آن را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی مربوط به زندگی مردم به‌طور عمده و تعیین‌کننده در بخش دولتی و تعاونی متمرکز ساخت. تنها از راه تدارک و عملی‌ساختن یک برنامه جامع و درازمدت می‌توان بر این مشکل اجتماعی چیره شد و تنها از راه توسعه همه‌جانبه فعالیت بخش دولتی و تعاونی در زمینه تهیه مسکن ارزان‌قیمت برای زحمتکشان می‌توان بخش خصوصی فعال در زمینه خانه‌سازی را زیر کنترل قرار داد و امکاناتش را در چهارچوب برنامه‌ریزی عمومی به‌کار گرفت. کمک به‌خانه‌سازی انفرادی از راه دادن وام‌های مسکن نیز تنها در چهارچوب چنین برنامه‌ریزی عمومی از لحاظ استفاده عقلانی از مصالح ساختمانی و نیروی کار و ضروریات شهرسازی، می‌تواند به‌نتایج مثبت برسد.

#### ۵. آموزش و پرورش

یکی از دردناک‌ترین و خشم‌آورترین ارشیه‌های نظام وابسته و استعمارزده دودمان پهلوی

همین عقب‌افتادگی در زمینه آموزش عمومی است. هنوز بیش از ۶۰ درصد مردم ما بیسواد هستند و بی‌سوادی در میان زنان روستایی که بیش از ۳۰ درصد جمعیت میهن ما را تشکیل می‌دهند، بیش از ۹۵ درصد است. گسترش آموزش حرفه‌ای و متوسطه و عالی هم به همین نسبت از احتیاجات روزافزون جامعه ایران عقب‌افتادگی نشان می‌دهد. کافی است تنها تعداد دانشجویانی را که در سال ۱۳۵۸ در آموزشگاه‌های عالی رشته پزشکی مشغول تحصیل بوده‌اند، با تعدادی که برای رفع احتیاج جامعه ما لازم است، مقایسه کنیم.

برای رفع این کمبود باید نبرد عظیمی را آغاز کرد. اقدامات دولت جمهوری اسلامی در زمینه ساختمان مدارس در روستاها، برجیدن مدارس "ممتاز" و سوادآموزی، قابل تأیید است؛ ولی این قطره‌ها نمی‌توانند جوابگوی تشنگی جامعه ما به آموزش باشند. این هدف تنها در صورتی می‌تواند در دسترس واقعی قرار گیرد که:

الف - تکمیل و پخش شبکه آموزش و پرورش در سراسر کشور با توجه مقدم به مناطق عقب‌افتاده در ردیف مهم‌ترین و مبرم‌ترین وظایف دولت انقلابی قرار گیرد؛

ب - آموزش اجباری ۸ ساله رایگان برای تمام کودکان در شهر و روستا تأمین گردد؛

ج - در مناطق غیر فارس به تناسب امکانات موجود آموزش به زبان مادری عملی شود؛

د - شبکه وسیع آموزش حرفه‌ای در سراسر کشور بوجود آید، به طوری که همه جوانان امکان گرفتن تخصص حرفه‌ای را داشته باشند؛

ه - شبکه دبیرستان‌ها به تناسب احتیاجات کشور بسط یابد؛

و - برنامه گسترش شبکه آموزشگاه‌های عالی و گسترش کمی و کیفی آن‌ها، به ویژه رشته‌های فنی و علوم و پزشکی و رسیدن به خودکفائی در کوتاه‌ترین فرصت ممکن تنظیم و به موقع اجرا درآید؛

ز - به ایجاد فرهنگستان علوم ایران و تشکیل شبکه وسیع پژوهشگاه‌های علمی و فنی و بهره‌گیری همه‌جانبه از دستاوردهای علم و فن در سراسر جهان اقدام گردد.

## ۶. فرهنگ اجتماعی

دستاوردهای فرهنگی یکی از پرارزش‌ترین محصول تلاش تاریخی توده‌های مردم، اقوام و ملت‌ها در جریان حرکت به سوی تعالی و تمدن انسانی هستند.

خلق‌های میهن ما این افتخار را دارند که طی تاریخ دراز خود در صف نخستین خلق‌های آفریننده فرهنگ جهانی قرار داشته‌اند و از گنجینه بسیار غنی فرهنگ ملی برخوردارند.

وظیفه بزرگ نیروهای انقلابی و پیشرو جامعه است که این فرهنگ غنی مردمی و ملی را در تمام ابعاد رنگین، زیبا، دلنشین و ارزشمندش گرامی بدارند و با تمام نیرو در جهت شکوفایی بازم بیشتر آن گام بردارند.

یکی از دردناک‌ترین پیامدهای تسلط جنایت‌بار نظام شاهنشاهی وابسته در قرن اخیر باز شدن راه تسلط فرهنگ استعماری بر میهن ما و تلاش طبقات حاکمه خودفروخته در به فراموشی سپردن فرهنگ ملی بوده است و درست به همین علت است که انقلاب فرهنگی یعنی مبارزه قاطع با بی‌سوادی و کم‌سوادی و پاک کردن جامعه و جو فرهنگی میهن از انواع گوناگون علف‌های هرز فرهنگ استعماری و امپریالیستی یکی از مهم‌ترین وظایف انقلاب شوک‌همنده میهن ما است. در این زمینه باید توجه داشت که نبرد برای استعمارزدایی از جو فرهنگی، با بیماری‌های گوناگون

فرهنگ‌زدایی در مقیاس وسیع و تسلط گرایش‌های واپس‌گرایانه همراه نگردد. این خطر به‌طور عینی و بدون شبهه وجود دارد و هم‌اکنون پیامدهای ناگوار آن در جامعه ما دیده می‌شود. درست‌است که فرهنگ ملی خلق‌های میهن‌ما با فرهنگ بسیاری از خلق‌های ساکن کشورهای مجاور ایران پیوند تاریخی دارد، ولی این به آن معنا نیست که ما شخصیت و هویت مشخص تاریخی فرهنگ ملی خلق‌های ساکن ایران را در همه زمینه‌ها یعنی ادبیات، موسیقی، تاترو نقاشی و غیره نفی کنیم و بخواهیم آن‌را در بستر فرهنگ عمومی خلق‌های دیگر که به‌خودی‌خود برای ما ارزشمند است، دفن کنیم. شعار همه نیروهای راستین انقلاب ایران باید این باشد که ریشه‌های فرهنگ استعماری و امپریالیستی را در جو فرهنگی میهنمان بخشانیم و زمین را برای رشد و نمو بی‌سابقه فرهنگ ملی، یعنی گنجینه فرهنگ همه خلق‌های برادر میهن‌مان؛ فارس‌ها و آذربایجانی‌ها و کردها و بلوچ‌ها و عرب‌ها و ترکمن‌ها آماده‌سازیم.

حزب توده ایران هرگونه تلاش برای به‌زدان کشیدن فرهنگ ملی را نشانی از عقب‌ماندگی فرهنگی می‌داند و بر آن است که این‌گونه عقب‌ماندگی تنها به تقویت گرایش‌های واپس‌گرایانه میدان می‌دهد و نتایج دردناکی برای پیشرفت اجتماعی میهن ما به‌بار خواهد آورد.

## ۷. شکوفایی علم و فن

رشد همه‌جانبه زندگی اجتماعی میهن‌ما در همه زمینه‌ها، بدون بهره‌گیری از دستاوردهای علم و فن امکان‌پذیر نیست. باید به‌دوران بهره‌گیری از این دستاوردها به‌صورت یک‌کالای وارداتی به‌بها کم‌رشدن پایان بخشید و این تنها از این راه ممکن است که پیشرفت در این گستره به‌صورت یکی از مهم‌ترین نکات برنامه پیشرفت اجتماعی درآید و همه زنجیره‌های اسارت‌آور واپس‌گرایی و کهنه‌پرستی از دست‌وپای رشد همه‌جانبه علوم و فنون پاره گردد. حزب توده ایران بر آن است که هرچه‌زودتر فرهنگستان علوم بارشته‌های گوناگون برای علوم طبیعی، علوم انسانی و اجتماعی، علوم پزشکی، علوم کشاورزی و غیره، هم‌چنین پژوهشگاه‌های علمی و فنی برای همه رشته‌های مهم فنون تاسیس گردند و امکانات کافی برای گسترش آن‌ها تامین شود.

## ۸. ورزش

در جوامع متمدن و پیشرفته امروز جهان، ورزش به‌صورت یکی از مهم‌ترین وسیله‌ها، نه تنها برای تامین تندرستی و بهداشت عمومی جامعه، بلکه برای تربیت روحیات انسان دوستانه و یکی از مهم‌ترین وسیله سرگرمی و خستگی‌زدایی از کار سنگین درآمدده است. ورزش برای تندرستی بدنی و سلامت اخلاقی جوانان ضرورت حیاتی دارد.

حزب توده ایران بر آن است که ورزش در جامعه به‌صورت یک اشتغال عمومی برای خردسالان تا بزرگسالان درآید و تامین وسایل و امکانات برای این اشتغال در شمار وظایف درجه اول همه ارگان‌های اجرایی و نهادهای اجتماعی از شورای‌ده‌گرفته تا دولت مرکزی جمهوری اسلامی قرار گیرد. ورزش را باید از چهارچوب تنگ کنونی بیرون کشید و آن را در مدارس، کارخانه‌ها، موسسات دولتی، شهرک‌ها و روستاها در دسترس عموم خلق قرار داد.



برای آن که کودکان و جوانان کشور ما برای انجام وظایف تاریخی خود در آینده آماده شوند ، توجه به ایجاد امکانات برای رشد همه جانبه آنان ضروری است . تجربه جوامع پیشرفته نشان داده است که علاوه بر آموزش منظم در مدارس ، ایجاد شبکه وسیع موسسات و سازمان های ورزشی ، پژوهشی ، هنری ، علمی و فنی برای فعالیت آزاد و داوطلبانه جوانان نقش عظیمی را ایفا خواهد کرد .

حزب توده ایران بر آن است که ایجاد باشگاه های جوانان که بتواند امکانات ضروری را در همه این زمینه ها در اختیار جوانان بگذارد ، از وظایف مبرم دولت و همه نهادهای اجتماعی مردمی است .

\* \* \*

حزب توده ایران برنامه خود را که بیانگر آرمان های میهنی و دموکراتیک توده های ده ها میلیون محرومان و زحمتکشان شهر و روستای جامعه ما در مرحله کنونی تاریخی است ، عرضه می دارد . نبرد در راه تحقق این برنامه و وظیفه هر ایرانی میهن دوست و هوادار پیشرفت همه جانبه اجتماعی است . .

حزب توده ایران همه اعضا و هواداران حزب ، همه اقشار و طبقات مترقی جامعه و بویژه طبقه کارگر و متحدینش : دهقانان ، پیشه وران و روشنفکران زحمتکش همه خلق های ایران را فرا می خواند که برای عملی شدن این برنامه که تنها راه تامین آزادی و سعادت مردم ایران و راهگشای حرکت به سوی شکوفایی همه جانبه جامعه میهن ماست ، تلاش ورزند .